



پیامبر اسلام(ص) هم تجربه وحیانی داشت و هم به عنوان يك انسان تجربه دینی

پیامبر اسلام(ص) يك انسان دارای تجربه دینی هم بود، اما تجربه دینی غیر از تجربه وحیانی است؛ چرا که تجربه وحیانی ماهیتی زبانی و معرفتی دارد و نیز تجربه دینی ساماندهی منحصربه‌فرد است؛ بنابراین تجربه دینی، منحصر به نبی اکرم اسلام(ص) است.

حجت‌الاسلام

ابوالفضل

ساجدی، عضو

هیئت علمی

مؤسسه

آموزشی و

پژوهشی امام

خمینی(ره)

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، حجت‌الاسلام والمسلمین «ابوالفضل ساجدی»، عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) و دکترای فلسفه دین از دانشگاه «مک‌گیل»، در بخش قبلی گفت‌وگو با سرویس اندیشه، در مورد مقایسه وحی و تجربه دینی تأکید کرد که وحی از سنخ تجربه دینی نیست ولو اینکه تجربه دینی ملازم با اوست. ماهیت وحی، ماهیت زبانی است و نه ماهیت تجربی و در عین اینکه نبی مکرم(ص) وحی را دریافت می‌داشتند، دارای احساس‌هایی بودند که از امور جنبی وحی است نه از خود وحی، لذا باید در وحی‌شناسی، بین وحی و امور جنبی وحی تمایز قائل شد.

ساجدی در ادامه گفت: اگر هم وحی را از سنخ تجربه دینی بدانیم، باز هم لوازمی که بر سایر تجارب دینی، مانند خطاپذیری، امکان حصول برای اشخاص دیگر، ظنی بودن و به تبع عدم اعتماد، بار می‌شود، بر وحی بار نمی‌شود.

وی تأکید کرد: حکم به مشابهت میان دو امر احساسی میان دو فرد به سادگی ممکن نیست و به طریق اولی دآوری قطعی در باب ماهیت وحی به سادگی امکان ندارد، چرا که آن از سنخ امور درونی پیامبر است نه از امور ظاهری و محسوس.

مؤلف «دین و دنیای مدرن» در باب معرفت‌شناسی امور باطنی گفت: شخص به حالت درونی خودش علم دارد، اما به باطن دیگران مستقیماً راهی ندارد، لذا دآوری در مورد حالات باطنی دیگران از طریق مشاهده لوازم و آثار بیرونی آن حالت امکان دارد؛ لذا زمانی شخص می‌تواند به مقایسه دو امر باطنی بپردازد که آثار ظاهری آن حالت درونی را با دیگر آثار بیرونی تجربه درونی خود مشابه دیده باشد که آنگاه می‌تواند حدس بزند که فرد مقابل نوعی تجربه باطنی مشابه خودش را داشته است. وی افزود: دآوری در مورد هر امر باطنی در مورد سایرین چنین است، مثلاً احساس ترس را در صورتی به دیگران نسبت می‌دهیم که آثار ظاهری مشابه جلوه‌های بیرونی ترسی که در وجود خود درک کرده‌ایم را در دیگران مشاهده کنیم، مثل اینکه چهره‌اش زرد و ... است. لذا احتمال می‌دهیم که شخص مقابل ترسیده باشد، چرا که هرگاه خود ما دچار ترس می‌شویم، دچار زردی چهره و یا لرزه شده‌ایم. بنابراین ما از طریق آثار و وضعیت ظاهری می‌توانیم تا حدی وضعیت درونی دیگران را حدس را بزنیم، لذا شناخت ماهیت تجربه باطنی، دیگران با ما امکان ندارد.

ساجدی:

اگر هم وحی را از سنخ تجربه دینی

بدانیم، باز هم لوازمی که بر سایر تجارب

دینی، مانند خطاپذیری، امکان حصول

برای اشخاص دیگر، ظنی بودن و به تبع

عدم اعتماد، بار می‌شود، بر وحی بار

نمی‌شود

دانشیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) در مورد تجربه دینی اظهار کرد: اگر ما وحی را نوعی تجربه دینی بدانیم باید جلوه‌های ظاهری تجربه وحی را با جلوه‌های ظاهری تجارب باطنی خود مقایسه کنیم؛ اگر هر دو را مشابه دیدیم، آنگاه امکان دآوری مشترک خواهد بود، ولی قدری فاصله میان این دو زیاد است که امکان دآوری واحد را به تردید و چه بسا ناممکن خواهد کرد.

وی روش تحقیق در امور باطنی را چنین تبیین کرد: روش صحیح تحقیق در امور نفسانی و باطنی اقتضا می‌کند که تفاوت حس باطنی با امور ظاهری و به میزان تجارب باطنی از يك سوی دیگر توجه شود. در غیر این صورت تحقیق ما غیر علمی و غیر منطقی خواهد بود. بر این اساس می‌توان گفت که ما را به کشف حالات درونی پیامبر راهی نیست، مگر رجوع به برخی حالات ظاهری که هم‌زمان با دریافت وحی بر نبی مکرم اسلام(ص) حاصل می‌شده و برای ما نقل شده است.

ساجدی در مورد زیربنای مقایسه میان امور حس باطنی و حس ظاهری گفت: ابتدا باید اشتراك و قرابت میان لوازم و آثار تجربه وحیانی با آثار و لوازم تجارب دینی دیگران به اثبات برسد و پس از آن که میزان افتراق و اشتراك کشف شد، امکان دآوری وجود دارد، در حالی که افتراق بسیار بیشتر از اشتراك است.

وی تصریح کرد: بدین طریق هر قدر میان آثار بیرونی وحی و دیگر تجارب دینی اشتراك یافت شود، امکان دآوری بیشتری وجود دارد و هر قدر افتراق بیشتر یافت شود،

امکان دآوری هم کمتر خواهد بود. مطالعه در سیره نبی نشان از تفاوت بسیار میان این دو تجربه باطنی دارد.

وی در ادامه افزود: از لحاظ معرفت‌شناسی دآوری بر دو حس درونی میان دو شخص امری بسیار صعب و دشوار و گاهی بیجا است، چرا که قضاوت میان دو حس باطنی زمانی امکان دارد که شخص قضاوت‌کننده خودش ابتدا مشابه این حالت را درک کرده باشد. حال برای مقایسه تجربه وحیانی پیامبر با دیگر تجارب، باید گفت که بین این دو تفاوت بسیار است و کسی نیست که مانند وحی را تجربه کرده باشد و به تبع آن بتواند آن را با دیگر تجارب مقایسه کند؛ و هرچه تفاوت بیشتر باشد، امکان تعمیم احکام به سایر تجارب وجود ندارد.

مؤلف «دین در نگاهی نوین» خاطرنشان کرد: پیامبر يك انسان دارای تجربه دینی هم بوده‌اند، لیکن تجربه دینی غیر از تجربه وحیانی است و تجربه دینی پیامبر نیز منحصر به فرد است، زیرا بالاترین تجربه دینی منحصر به نبی مکرم اسلام(ص) است، چرا که ایشان مستغرق‌ترین شخص در یاد و ذکر الهی بودند و زاهدترین و عابدترین شخص نیز بودند، لذا سراسر زندگی ایشان همراه با تجربه دینی است، اما تجربه وحیانی از سنخ دیگری است.